

جوانان، بهترین یاوران

در طول تاریخ، بهترین یاران پیامبران و مردان الهی، جوانان بوده‌اند؛ چنان‌چه رسول خدا(ص) می‌فرماید: «اَوْصِيكُمْ بِالشَّبَّانِ خَيْرًا فَإِنَّهُمْ أَرْقُ أَفْئِدَةً إِنَّ اللَّهَ بَعَثَنِي بَشِيرًا وَنَذِيرًا فَخَالَفَنِي الشَّبَّانُ وَخَالَفَنِي الشُّيُوخُ^۱؛ شما را به نیکی با جوانان سفارش می‌کنم، چرا که آنان، دل‌های رقیق‌تری دارند، بهراستی که خداوند، مرا بشارت‌دهنده و هشداردهنده برانگیخت، جوانان با من همپیمان شدند و پیران با من به مخالفت برخاستند».

قرآن از اصحاب کهف با عنوان «جوان‌مرد» یاد می‌کند و این جوانان پاک‌دل را به جهت گرایش به حق، می‌ستاید: «...إِنَّهُمْ فِتْيَةٌ آمَنُوا بِرَبِّهِمْ وَزِدْنَاهُمْ هُدًى^۲؛ آنان جوان‌مردانی بودند که به خدایشان ایمان آوردند و خدا بر هدایتشان افزود».

دلبستگی و تعلق کمتر به دنیا، صفا و صمیمیت، آزادگی و حریت، حق‌خواهی و باطل‌ستیزی از ویژگی‌هایی است که جوانان را برای پذیرش حق، مستعد نموده است. لذا در طول تاریخ و در مقاطع حساس، حضور چشم‌گیر و مؤثر جوانان را شاهد هستیم. هُشام‌بن‌حکم (متکلم جوان و اندیشمند) و حنظله غسیل الملائکه از جمله جوانان نمونه صدر اسلام و علی اکبر(ع) و وهب از جمله جوانان غیور عرصه کربلا هستند که هر کدام از آنان، الگوی تمام عیاری برای جوانان محسوب می‌شوند.

در زمان ظهور نیز بیشتر سپاه امام زمان(عج) را جوانان تشکیل می‌دهند: «أَصْحَابُ الْمَهْدِيِّ شَبَابٌ لَا كُهُولٌ فِيهِمْ إِلَّا مِثْلَ كُحْلِ الْعَيْنِ وَالْمِلْحُ فِي الزَّادِ وَأَقْلُ الزَّادِ الْمِلْحُ^۳؛ یاران مهدی، جوان هستند. در میان‌شان کهنسالی نیست مگر مانند سرمه در چشم و نمک در غذا؛ و در طعام، کمتر از هر ماده دیگری، نمک آن است».

البته لازم به تذکر است که این، به معنای عدم حضور بزرگسالان در سپاه حضرت نیست؛ چنان‌چه

۱. سفينة البحار، ج ۲، ص ۱۷۶

۲. سوره کهف، آیه ۱۳.

۳. بحارالأنوار، ج ۵۲، ص ۳۳۳.

در عرصه کربلا نیز افراد کهن‌سالی چون حبیب‌بن‌مظاهر و مسلم‌بن‌عوسجه، حضور فعال و مؤثری داشتند. یکی از درس‌های مهم عاشورا به جوانان، طی کردن راه حقیقی تکامل است؛ چراکه ریاضت‌های منفی و سیر و سلوک‌های غیر شرعی نه تنها راه رسیدن به کمال و قرب نیست؛ بلکه انسان را از آن دور می‌کند. علی اکبر(ع) - جوان برومند امام حسین(ع) - با وجود قلت سن، از جمله کسانی است که به کمال رسیده است. وی، در روز عاشورا - که امام حسین(ع) به یاران، بشارت بهشت می‌داد و از اشتیاق و انتظار رسول خدا(ص) برای ملاقات آنان خبر می‌داد - به فرزند رسول خدا(ص) [امام حسین(ع)] بشارت می‌دهد که: «يَا أَبَتَاهُ عَلَيْكَ السَّلَامُ هَذَا جَدِّي رَسُولُ اللَّهِ يَقْرُوكَ السَّلَامَ وَ يَقُولُ عَجَلُ الْقُدُومِ عَلَيْنَا»⁴؛ پدرم، خداحافظ. این جدم رسول خداست که به تو سلام می‌رساند و می‌گوید بشتاب».

رمز این مقام رفیع را باید در سخنان امام حسین(ع) در خطاب با فرزندش، علی اکبر(ع)، یافت؛ آن زمان که او را برای رفتن به میدان، بدرقه نمود و فرمود: «اللَّهُمَّ اشْهَدْ عَلَي هَؤُلَاءِ الْقَوْمِ فَقَدْ بَرَزَ إِلَيْهِمْ غُلَامٌ أَشَبَّهُ النَّاسِ خُلُقًا وَ خُلُقًا وَ مَنْطِقًا بِرَسُولِكَ كُنَّا إِذَا اشْتَقْنَا إِلَى نَبِيِّكَ نَظَرْنَا إِلَى وَجْهِهِ»⁵؛ خداوندا! تو بر این قوم گواه باش، جوانی به مصاف آنان می‌رود که از نظر خلقت و خلق و خوی و سخن گفتن شبیه‌ترین مردم به رسول توست، ما هرگاه مشتاق دیدار پیامبر تو می‌شدیم به سیمای این جوان می‌نگریستیم»

پس تاسی و اقتدا به رسول خدا(ص) فرد را به اوج تکامل می‌رساند؛ نه ریاضت‌ها و اعمال دیگر و این، برای جوانان منتظر درس مهمی است.

4. بحار الأنوار، ج 45، ص 45.

5. اللهورف، ص 112.